

مانی و تأثیر او بر هنر دوره خود

گیسو قائم

عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

کلیدواژگان:

هنر مانی، هنر ایرانی، هنر دینی، تأثیر دین بر معماری

چکیده

در این نوشتار در ابتدا به اختصار به زمینه زندگی مانی، وضعیت سیاسی، فرهنگی، و مذهبی بین‌النهرین در زمان تولدش، و خاستگاه طبقاتی او می‌پردازیم. سپس جهان بینی مانی، عقاید او در مورد ادیان دیگر، و خاستگاه کیش مانی را مطالعه خواهیم کرد و به صورت بسیار مختصر به حکمت عملی مانویان اشاره‌ای خواهیم کرد. محتوای کتاب‌های مانی و نحوه نگارش آنها و تأثیر مانی بر ادبیات زمان خود از بخش‌های پُر اهمیت نوشتار حاضر است. در این مقاله همچنین هنر اصلی مانی، که نگارگری است، مطرح و نفوذ هنر او در معماری عصر خود به بحث گذاشته شده است.

مقدمه

مانویت یکی از دو جنبش مهم دوره ساسانی است. پس از مانی مزدک نیز جنبش دیگری را در این دوران رهبری کرد. این جنبش‌ها در اوایل سده سوم میلادی پدیدار شد. ظهور مانویت در ایران همزمان با تلاش شاهان ساسانی برای ایجاد وحدت دینی در کشور به قصد استفاده از آن در ایجاد یکپارچگی ایران و بازگشت به عظمت دوران هخامنشی بود. آنان می‌خواستند برداشتی یکسان از آموزه‌های اوستا، آیین زردشت پیامبر، بدان گونه که توجیه‌کننده حکومت آنان و مشروعیت بخش هر حرکت و دستورشان باشد، فراهم آورند و آن را حاکم کنند؛ همان آیینی که با گذشت زمان به دست مغان و کسانی که لباس روحانیت زردشتی به تن داشتند، تغییر یافته و مهیا بود به ابزاری برای دین رسمی حکومتی پادشاهان بدل شود. کوشش شاهان ساسانی به کمک روحانیتی چون کریتر (که به گواه سنگ‌نیشته‌اش با افتخار به از بین بردن مخالفان دینی اعتراف می‌کند)، تحت نفوذ خانواده‌های ثروتمند

پرسش‌های تحقیق

مانی که بود و وضعیت سیاسی، فرهنگی، و مذهبی زمان او چگونه بود؟
 خاستگاه کیش مانی چه ادیانی بود؟
 مانی چه تأثیری بر ادبیات، نقاشی، خوش‌نویسی، و معماری گذاشت؟

و قدرتمند به تشکیل دولتی مقتدر و مستقل منجر شد و نفوذ آنان را بر پهنه ایران و کشورهای هم‌مرز نیز قطعی کرد، اما نتوانست راه را بر اندیشه‌های مخالف و تفکر خداجویانه ایرانیان ببندد. در این راه نه روحانیت سنتی زردشتی موفق به محو اندیشه‌های دیگر شد و نه ترفندهای حکومتی شاهان ساسانی توانست از گرایش مردم به حقیقت و تفکر الهی جلو گیرد.

مانویت در این روزگار سخت بود که پدید آمد. دین مانی عناصری از ادیان مسیحی و زردشتی و بودایی را با هم ترکیب کرده بود و حاصل مطالعات مانی در ادیان هم‌عصر خود بود. آیین مانی نیز مانند همه ادیان با هدف زنگارروبی از آیین‌های پیشین و تکمیل آنها به منصفه ظهور رسید.

دین مانی در هر سرزمینی که نفوذ می‌کرد، عناصر اصلی و بنیادهای دین‌های رایج آن سرزمین را گوشزد می‌کرد. به همین دلیل مانی در ایران به دین زردشت، در هندوچین به تعالیم بودا، و در غرب به مسیحیت نزدیک‌تر بود.

مانی به دلیل روشن‌بینی و نحوه ارائه تعلیماتش و استفاده از نمادهای هنری، در اندک زمانی تعلیماتش را فراگیر کرد و با نفوذی که مخالفانش در دربار شاهان داشتند، باعث گرایش بعضی شاهان و بزرگان ساسانی به گفته‌هایش شد. آیین مانی در شرق تا هندوچین و در غرب تا قلب اروپا گسترش یافت. این آیین آثار انکارناپذیری بر هنر و به‌ویژه هنر نگارگری، مینیاتور، موسیقی، هنرهای تزئینی، خط و تذهیب بر جای گذاشت. در این نوشتار، هر چند کوتاه، به تأثیر این آیین در معماری پرداخته‌ایم.

مقاله حاضر در سه بخش اصلی تدوین شده است. در آغاز زمینه زندگی مانی، خاستگاه طبقاتی او، وضعیت سیاسی، فرهنگی و مذهبی دوران تولد او و اینکه در دربار کدام پادشاه تقرب یافت، طرح می‌شود.

در بخش بعد، به آموخته‌ها، تعالیم و اعتقادات او می‌پردازیم. در این بخش، در باره جهان‌بینی مانی قبل از تبلیغ دینش و سپس خاستگاه کیش مانی و نکات برترش و حکمت عملی و نظری آن بحث کرده‌ایم.

در بخش آخر هنر مانی را بررسی کرده‌ایم. در این بخش، نخست به تأثیر مهم مانی بر ادبیات پرداخته‌ایم. می‌توان به جرأت او را بدعتگذار چندین نوع نگارش دانست. پس از آن درباره هنر نگارگری، مینیاتور، نقاشی روی چرم، خطاطی، تذهیب بحث کرده‌ایم. در پایان با بررسی دو مصداق معماری

خود ساختند (حدود ۱۵۰ ق.م.) بالطبع مأموران دولت سلوکی در اختیار شاهنشاهان اشکانی درآمدند و در نتیجه، طبق اسنادی که در دست است، زبان یونانی برای کارهای اداری و مسکوکات در بین‌النهرین باقی ماند.

جاذبه تمدن یونانی از راه‌های مختلف رخنه می‌کرد، حال آنکه نفوذ تمدن بابل از یک قرن ق.م. کم‌کم رو به زوال نهاده بود. اسناد بعضی از مبادلات، خصوصاً در مراکزی که جایگاه کهن علم و دانش بود، به زبان باستانی موروثی نوشته می‌شد. البته این زبان بومی اجدادی را زبان آرامی در قرن ششم ق.م. به کلی برانداخته بود و اگر احیاناً در جایی به کار می‌رفت با حروف یونانی بود، همان‌گونه که الفبای آرامی در آغاز بر همین شیوه و به همین منظور به کار می‌رفت. احتمال به کارگیری هر نوع خط میخی در بعد از میلاد مسیح بعید به نظر می‌رسد. گه‌گه‌گه است که در اوایل دوران سلوکی‌ها، بروسوس کاهن بابلی آیین‌های دینی مقدس بابلی را به زبان یونانی می‌نوشت تا آنها را برای نسل‌های بعدی حفظ کند.

در این دوران ادبیات بین‌النهرین منحصرأ یونانی نبود. شواهد معتبری در دست است که ادبیاتی به زبان سریانی در سده اول بعد از میلاد وجود داشته است. نوشته‌های فصیحی که هنوز روی سنگ قبرها بر جای مانده، نمونه‌ای از آنهاست. کتیبه‌هایی نیز اخیراً در اطراف ادسا کشف شده که مربوط به قرن دوم یا سوم میلادی است. این شواهد بالاخص از لحاظ روشن کردن پیشرفت فرهنگی آن زمان در شمال بین‌النهرین بسیار مهم‌اند.

اشراف حاکم اشکانی و بعد از آنها ساسانی به طور کلی به اشکال مختلف به مذهب ملی ایرانی پای‌بند بودند. پرستش خدایان مهر و آناهیتا اساس دین به شمار می‌رفت. زردشت‌گرایی خالص بدون شک در بین ایرانیان مقیم بین‌النهرین طرفداران فراوان داشت. در عین حال کاهنان مجوس حاکم نیز به زروانی‌گری گراییده بودند. گروه‌های بزرگ کوچ‌نشین یهودی از زمان‌های بسیار دور در اطراف بابل مقیم بودند و با تبلیغات

عصر مانی، برخوردارش با هنر و تأثیر هنر او بر معماری بررسی می‌شود.

زمینه زندگی مانی

وضعیت سیاسی و فرهنگی و مذهبی در زمان تولد مانی

در ابتدای قرن سوم میلادی، مشاجرات سیاسی و فرهنگ‌های ناهمساز و ادیان رقیب در منطقه بین‌النهرین باعث شده بود این سرزمین کانون برخورد دو امپراتوری ایران و روم و دو فرهنگ یونانی و ایرانی و دو دین مسیحیت و زردشت شود؛ مسیحیتی که تازه داشت دین رسمی رومی‌ها می‌شد و آیین زردشت که نقش مشابه‌ای در ایران بر عهده داشت. اشکانیان در حدود سال ۱۵۰ ق.م. بین‌النهرین را از سلوکی‌ها گرفته بودند و با اینکه تا اوایل قرن سوم آن را در دست داشتند، تسلطشان بر آن سرزمین رو به زوال بود و امپراتوری ملوک‌الطوایفی آنها به تدریج داشت به یک سلسله ایالت‌های کوچک تقسیم می‌شد. اردشیر، یکی از اعضای خاندان ساسانی، ابتدا در سال ۲۰۸ میلادی در فارس به قدرت رسید و پس از اینکه همسایگان او را به رسمیت شناختند، اردوان را در نبرد سرنوشت‌ساز شکست داد. پیشرفت او را ارتباط خانوادگی و ازدواجش با خاندان شکست‌خورده اشکانی تسهیل کرد. این ارتباط باعث شد اغلب ملوک‌الطوایف پُر قدرت اشکانی از او پشتیبانی کنند.

رقابت‌های فرهنگی و سیاسی ایران و روم در بین‌النهرین باعث می‌شد رومی‌ها احکام نظامی و لشگری را به زبان لاتین صادر کنند، هرچند در دستگاه‌های کشوری زبان یونانی متداول بود و این زبان از لحاظ فرهنگی در تمام شرق نزدیک، در سه قرن اول میلادی، زبان اصلی مؤلفان ادبی و فرهنگی و فلسفی به شمار می‌رفت. نفوذ فرهنگی یونان بسیار گسترده‌تر از حدود و ثغور سیاسی بود. وقتی اشکانیان بین‌النهرین را جزو امپراتوری

آمیخته بود. پرستش مهر در آن زمان مخصوصاً در ارمنستان و شمال غربی ایران اهمیت داشت و در حقیقت ماد آذربایجان و ماد بزرگ، که در آنجا عالی‌ترین مقام مذهبی متعلق به طبقه نیرومند مجوسان بود، مراکز اصلی این کیش به شمار می‌رفت. در دورا، همین کاهنان مجوس وظیفه کاهنان مهرپرست را هم انجام می‌دادند و چنین به نظر می‌رسد که در آسیای صغیر و بین‌النهرین کاهنان مجوس و مهرپرست با هم متحد شده بودند. در چنین شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی بود که مانی چشم به جهان گشود.^۱

تولد و خاستگاه طبقاتی مانی

در حدود سال ۲۰۰ میلادی در همدان پایتخت مادها شاهزاده‌ای اشکانی از نسل ارشک زندگی می‌کرد که پاتک نام داشت. او با زنی با نام یهودی - مسیحی مریم ازدواج کرد که با خانواده کمسرکان از شاهزادگان اشکانی نسبت داشت. بنابراین، خون سلطنتی اشکانی از طریق هر دو والد در رگ‌های پسری که بعدها مریم برای شوهرش به دنیا آورد جاری بود.

تاریخ تولد مانی را می‌توان ۱۴ آوریل ۲۱۶ میلادی تعیین کرد. بنا به اظهار خود مانی، به روایت ابوریحان بیرونی او در ده مردینو در ناحیه نهر کوتا در شمال بابل متولد شده است.^۲ این نکته را که تولد مانی در بابل اتفاق افتاده خود او در قطعه شعر «من یک طلبه شاکرم که از سرزمین بابل برخاسته‌ام»، تأیید کرده است.

روزی پاتک در بتخانه‌ای که اغلب به آنجا می‌رفت، صدایی از محراب شنید که می‌گفت: «پاتک گوشت نخور، شراب ننوش و از زن پرهیز کن.» سه روز متوالی همان صدا را شنید که همین فرمان را می‌داد. پاتک، غرق در دریای تفکر، درباره این وحی بسیار اندیشه کرد و تصمیم گرفت به فرقه‌ای بپیوندد که در میسان بود و پیروان آن را مغتسله می‌نامیدند، یعنی کسانی که غسل می‌کنند. در الفهرست چنین آمده: «بعدها پدر مانی به

مذهبی باعث تغییر مذهب عده‌ای از خاندان سلطنتی اشکانی در ناحیه آدیانه شدند. نفوذ یهودی‌ها سبب شده بود که در ادسیا و بابل، تورات و احادیث یهودی، قبل از اشاعه مسیحیت، کاملاً شناخته شده باشد. خدایان قدیم بابلی مانند عشتار در اربیل از سالیان قدیم مورد احترام بودند. هرچند خصوصیت فرهنگی بومی آنها رو به زوال می‌رفت، دلبستگی خاصی به سنت باستانی پرستش خدایان سماوی در شهر حران در بین‌النهرین شمالی گزارش شده است.

حفاری‌های دورا رویوس نشان می‌دهد که سپاهیان رومی با اصلیت سریانی و همچنین قوای امدادی سریانی، معتقدات موروثی خود را در هر جا که مستقر می‌شدند حفظ می‌کردند. جنوب بابل پناهگاهی بود برای فرقه‌های مختلف با اعتقادات گوناگون بابلی، سریانی، یهودی و مسیحی.

مسیحیت نیز در پیدا کردن پایگاهی برای خود در شمال بین‌النهرین از سایر فرق عقب نماند. ادسا مرکز تبلیغ مسیحیت بود و این دین از آنجا به شرق و غرب گسترش یافت و در حدود سال ۱۰۰ میلادی به نواحی کاملاً ایرانی (ابتدا استان آدیانه و سپس استان‌های شوش و فارس) رسید. مسیحیت هم به فرقه‌های مختلف تقسیم شده بود. یهودیت احتمالاً در اوایل قرن سوم میلادی پیش از همه این مذاهب و جنبش‌های مذهبی نیروی تبلیغاتی خود را از دست داده بود. مسیحیت قبلاً در شمال بین‌النهرین، که رنگ شدید یهودیت داشت، با تبلیغ و گرایش یهودیان به دین مسیحی، تفوق خود را در رقابت نشان داده بود.

گونه‌های متعدد مذهب ملی ایرانی به‌ویژه پرستش مهر در بین‌النهرین و نواحی اطراف آن حائز اهمیت بود. این امر به‌خصوص در میان طبقات بالای اشکانی مصداق داشت. سلطه استثنایی مهر به حدی بود که پرستش آن از حدود و ثغور ایران هم فراتر رفته بود. آیین بزرگداشت این کیش اسرار مهرپرستی نام داشت. اسرار مهرپرستی با عناصری از نجوم بین‌النهرینی

۱. نک: گئو ویدن گرن. مانی و تعلیمات او، ترجمه نزهت صفای اصفهانی.

۲. نک: ابوریحان بیرونی، آثار الباقیه؛ و همو، تحقیق ماللهند.

بزرگ مخصوصاً مسیحیت بر نمی آید؟ آیا ممکن بود که دین مانی توقعات وی را برآورد؟

طی سی سال سلطنت شاپور تحول عظیمی در اوضاع دینی رخ نداد. به نظر می‌رسد که مانویت در دوران ساسانی پرتعدادترین مرام مذهبی به شمار می‌رفت اما هرگز آن طور که آرزوی مانی بود مذهب رسمی شناخته نشد. به درستی معلوم نیست چه ملاحظاتی شاپور را از این اقدام باز داشت، اما می‌توان قدرت سنت‌های محافظه کارانه‌ای را که او از نیاکانش (آذربانان زردشتی استخر) به ارث برده بود، در درجه اول قرار داد. شاپور در کتیبه معروفش، از پس احکام وضع شده به عنوان شعایر دینی خاندانش، در مقام شاهزاده زردشتی سنت‌گرا تجلی می‌کند؛ زردشتی به همان معنی تلفیقی متداول در روزگار او. البته این تمایل رسمی او بود. اما قبول این مطلب کاملاً به جاست که وی شخصاً با مانی هم عقیده بود، زیرا در غیر این صورت جانبداری وی از مانی توجیه‌ناپذیر خواهد بود.^۵

مانویت پس از مرگ شاپور

پس از مرگ شاپور اول روحانیان مزدایی، مخصوصاً مغان شمال، عکس‌العملی شدید از خود نشان دادند. رئیس آنان کرتیر در زمان جانشینان شاپور به‌ویژه بهرام دوم سیاستمدار درجه اول بود. این عکس‌العمل را می‌توان چنین تعبیر کرد: مزدپرستی را آیین بودایی از یک سوی و مسیحیت از سوی دیگر محصور کرده بود. آیین بودایی از آغاز سلطنت سلسله دوم کوشان، که مؤسس آن پادشاه کنیشکا این آیین را دین رسمی مملکت خود قرار داد، در مشرق در اوج خود بود. مراکز مسیحیت در بین‌النهرین شمالی تشکیل شد و در مغرب با یهودیت، که همواره در بابل فعالیت می‌کرد، در جدال بود. در این هنگام آیین مزدا را، حتی در داخل ایران، جانب مانویت و روحانیان آن که مانی ایجاد کرده بود، تهدید می‌کردند. اندکی پس از مرگ شاپور اول، مانی محاکمه و به مرگ محکوم و اعدام شد، پیروان وی مورد آزار قرار گرفتند و

دنبال او فرستاد و او را به جایی آورد که خودش در آنجا زندگی می‌کرد و از آن پس او در کنار پدر و با مذهب پدر بزرگ شد.» به عبارت دیگر، پاتک پسرش را پیش خود نگه داشت و دین خود را به او آموخت.^۳

تأثیر شاپور اول در اشاعه مانویت

در زمان شاپور اول، در عصر استحکام سلسله جوان ساسانی که منافعی در سیاست بین‌المللی نیز به دست آورده بود، هنگامی که لازم بود در جنگ با روم همه قوای ملی متمرکز باشد، مسئله دین شاهنشاهی به میان آمد. به نظر می‌رسد علت توجه شاپور به مانی و دین او، و اظهار علاقه وی به آیین این پیامبر، همین امر باشد.

مانی سالیان دراز در دربار شاپور به سر برد و طی سلطنت طولانی او (۲۴۰ - ۲۷۲ م.) از غضب دشمنان در امان بود. مانی در نخستین باریابی به حضور شاپور چکیده‌ای از آموزه‌هایش را موسوم به شاپورگان (یا نوشته‌های تقدیمی به شاپور) به وی تقدیم کرد. در منابع مانوی آمده است که شاپور سخت تحت تأثیر پیام مانی قرار گرفت و به او اجازه داد آزادانه در سراسر امپراتوری تبلیغ کند. مانی در شرح زندگی خود می‌گوید: من نزد شاپور شاه آمدم. او مرا در نهایت احترام پذیرفت و به من اجازه داد که در سراسر کشورش کلام زندگی را تعلیم دهم. من چند سال جزو ملازمان او بودم.^۴

آیا شاپور اول وقتی نیکخواهی خود را نسبت به مانی ابراز کرد و او را در وعظ و تبلیغ و گرد آوردن پیروان آزاد گذاشت، در صدد بود که روزی مانویت را دین کشور خود قرار دهد؟ آیا وی ملاحظه می‌کرد سلسله جدید، که توانسته است شاهنشاهی مجدد و قدرتمندی به وجود آورد، مجبور است آن را با معنویات جدید مجهز کند، و این دین نوظهور یک ایرانی در سرزمین ایران منطبق با تمایلات عصر است، در حالی که آیین معمول در استخر حتی از عهده دفاع از خود در مقابل پیشرفت ادیان

۳. نک: گئو ویدن گرن. مانی و تعلیمات او، ترجمه زهت صفای اصفهانی.

۴. نک: مری ویس. زردشتیان، باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسکر بهرامی.

۵. نک: گئو ویدن گرن. مانی و تعلیمات او، ترجمه زهت صفای اصفهانی.

قدیم گام برمی‌دارد. بر اساس این عقیده جدال دائم بر دو اصل اساسی اورمزد (اهورامزدا) که نیکی است با اهریمن (انگرة مینوی) که شر است، استوار است. این دو اصل اساسی همزاد بودند و در آغاز زمان می‌بایست بین خوب و بد یکی را انتخاب می‌کردند. اهریمن بدی را انتخاب کرد و اورمزد نیکی را (گات‌ها). در پس گات‌های زردشتی، طرح متفاوتی از وحدت وجود و تعبیر کیهانی تشخیص داده می‌شود که بر طبق آن اورمزد و اهریمن از یک موجود نخستین به نام زروان به وجود آمده‌اند که خداوند دو جنسی زمان و مکان بوده است.

برگزیده شدن مانی

هنگامی که مانی به ۱۲ سالگی رسید اولین وحی به او نازل شد. این واقعه در سال ۲۲۸ یا ۲۲۹ م. اتفاق افتاد. وحی به‌وسیله موجودی آسمانی، که در عربی او را التوم می‌نامند و در سریانی تواماً به معنی همزاد (توام)، به مانی می‌رسد. پیام موجود آسمانی از این قرار بود: «این جماعت را فراموش کن، تو از پیروان آنها نیستی. راهنمایی به اصول اخلاقی، پرهیز از شهوات اینها و وظایف تو است، اما از آنجا که هنوز نوجوانی، وقت آن نرسیده که آشکارا بر آن بشارت دهی».^۶ پس مانی از گروه معتسله، که تا آن زمان به خواست پدرش به آن پیوسته بود، دست کشید و چون آن جماعت نیز نتوانستند از آن پس او را تحمل کنند، او را از خود راندند.

از آن پس مانی به همین منوال تمام نکات اساسی تعالیم را هنگام نزول وحی دریافت کرد. او چنین ادامه می‌دهد: «چنین بر من فارقلیط فاش ساخت آنچه را که بوده است و آنچه را که خواهد بود».^{۱۰}

مانی با اطاعت از فرمان قاصد ملکوتی همچنان در انزوا به سر می‌برد. با در نظر داشتن تحولات بعدی، می‌توان چنین استنباط کرد که مانی در این مدت به مطالعه متون مذهبی متداول در تمدن بین‌النهرین در آن زمان و تفکر و تعمق درباره

از وطن مهاجرت کردند. بعضی به سوی مشرق رفتند. در آسیای مرکزی، مانویت سرزمینی برای تبلیغ عقاید خود به دست آورد. بعضی دیگر به سوی سوریه و مصر شتافتند. در سه کتیبه طویل روی صخره‌ها و ابنیه فارس، کرتیر افتخار می‌کند که مسیحیان، مانویان و برهمنان را اذیت و آزار کرده است.^۶

آموخته‌ها، تعالیم و اعتقادات مانی

جهان بینی مانی قبل از تبلیغ دین

پاتک پدر مانی به فرقه مغتسله پیوسته بود که در بین فرات و دجله رواج داشت. مانی هم در همان مذهب و طریقه بزرگ شد. ولی بعدها به اوضاع ادیان زمان خود مانند مسیحیت و زردشتی وقوف پیدا کرد. چند بار فرشته‌ای به اسم توم (یا توام یعنی همزاد) بر او ظاهر شد و حقایق الهی را بر او آشکار کرد (در کفالایا این فرشته را فارقلیط زنده نامیده است) او خود را فارقلیط قلمداد کرد که عیسی از آمدن او خبر داده است.^۷

اساس آیین مانی دو عنصر خدا و ماده است. آنها به ماده همه چیزهای بد را نسبت می‌دهند و به خدا همه نیروهای نیک را. البته در تفسیرهای مانی هرگز از دو خدا نام برده نشده است. بنیاد دین مانی بر تضاد نور و ظلمت و به عبارت دیگر خیر و شر نهاده شده است. از این دو عنصر، که همواره در ستیزند، جهان پدید آمده است. در انسان، روان نورانی و تن ظلمانی است، و سراسر اخلاق مانوی در اطراف رهایی روان از تن دور می‌زند. آن‌گاه که همه ارواح و همه نورها، که محبوس ماده هستند، آزاد شوند و به سوی خورشید صعود کنند، آسمان و زمین منهدم و از یکدیگر جدا خواهند شد، و حکومت نور جاویدان پایدار خواهد ماند.^۸

مانی از اطلاق نام خدا به عنصر شیطانی ماده خودداری می‌کند. در واقع مانی در شروع کارش بر مبنای ثنویت ایران

۶ نک: رومن گیرشمن. ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین.

۷ نک: سیدحسن تقی‌زاده، مانی‌شناسی، به کوشش ایرج افشار،

۸ نک: گئو ویسن‌گرن. مانی و تعلیمات او، ترجمه زهت صفای اصفهانی.

۹ نک: این ندیم. الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد.

10. H. J. Polotsky, et al., trsls. *Kephalaia*, Stuttgart.

زمین بود. در میان این دو منطقه تبلیغی امپراتوری ایران قرار داشت که برای آن قالبی زردشتی برگزیده بود. عناصر بودایی و مسیحی به عنوان تزئین در این مذهب نشان داده می‌شوند، که به‌آسانی می‌توان آنها را مجزا کرد و هیچ ضرری هم به اصل این نظام وارد نمی‌آورد، ولی عناصر ایرانی را نمی‌شود به همان چشم نگریمت، زیرا عناصر مزبور در حقیقت اجزای سازنده آن‌اند و با برداشتن آنها تقریباً چیزی از شالوده عقاید مانی باقی نمی‌ماند. بنابراین اساس مانویت ایرانی است و نه تنها ایرانی، بلکه زروانی از یک زاویه عرفانی است. مانی بودا و زردشت و مسیح را سلف خود می‌پنداشت.^{۱۲} مع‌ذالک تنها زردشت مظهر ایرانیت را جلوه‌گر می‌ساخت و در بین اسلاف مانی مقام خاصی داشت. به نظر می‌رسد که دو مذهب دیگر به مصلحت‌هایی انتخاب شده بودند.^{۱۳}

عقاید نصارا تأثیری عمیق در آیین مانی گذاشته است. مثلاً پدر عظمت و انسان اول و مادر زندگان راه، که نخستین تثلیث مانویه هستند، در ازای اب و ابن و روح‌القدس قرار داده است. عباراتی از انجیل عیسویان در قطعات کتب مانی دیده می‌شود. عیسی در آیین مانی مقامی عالی دارد. عیسای مانویان آن عیسایی نیست که یهودیان به دار آویختند. مانی شهادت مسیح را ظاهری می‌داند و آن را نشانه اسارت روح نورانی در عالم اسفل تلقی می‌کند. به اعتقاد مانی عیسای حقیقی موجودی است الهی که از عالم نور برای تعلیم آدم و هدایت او به صراط مستقیم فرستاده شد. عیسی راهنمای ارواح است به جانب جهان نور. مانی اصل نجات راه، که در مذهب عیسوی آمده است، تعبیر کرده و با آیین خود وفق داده است. مانی عقیده تناسخ روح را از هندیان، خاصه بوداییان، گرفته است.^{۱۴}

مانی پس از چندین بار دریافت مکاشفاتی از جانب قاصد ملکوتی سفری به هند کرد و طی آن به دعوت پرداخت و پس از مراجعت، در ایران نیز به دعوت خویش ادامه داد. او خود را فارقلیط معرفی می‌کرد که مسیح ظهورش را خبر داده بود. مانی

آنچه مطالعه کرده بود، مشغول بوده است. این مطالعات و تفکرات اعتقاداتش را کامل و راسخ ساخت.

در سال ۲۴۰/۲۴۱ م. فرشته به او چنین گفت: «درود بر تو ای مانی، درودی از طرف من و از جانب خداوند که مرا نزد تو فرستاده و تو را برای رسالت خود انتخاب نموده است. خداوند از تو می‌خواهد که مردم را به حقیقت دعوت کنی و پیام حقیقت را از طرف او به عموم مردم برسانی و خود را وقف این وظیفه بزرگ کنی. اکنون وقت آن رسیده که تو آشکارا تعلیمات خود را رواج دهی.»^{۱۱}

آغاز تبلیغ مانی برای آیین مانویت

مانی با رسیدن به بزرگسالی احساس کرد باید دین خود راه، که دینی برگزیده و دارای برخی عناصر زردشتی است، تبلیغ کند. وی که در جوانی احتمالاً هیچ تماس مستقیمی با کیش زردشتی نداشت، برخی اصول عقاید بنیادین آن را از رهگذر سنت‌های یهودی و مسیحی و گنوسی دریافته بود.

بین مانی و مهرپرستی رابطه نزدیکی وجود داشت. پرستش مهر در نواحی مرزی ارمنستان در شمال غربی ایران بسیار رواج داشت. از آنجا که در این دوره مانی در ارتباط بسیار نزدیک با مهرپرستان بود و آرزو داشت نماینده خدا شناخته شود، می‌توان این دوره را دوره مهرپرستی مانی نامید. نوشته ناخوانای روی سکه‌ای که به خط ماندایی از خاراسین در جنوب بابل به دست آمده چنین می‌گوید: «مانی منصوب‌شده میترا».

مانی کوشید تا بین مذهب خود و مسیحیت ارتباطی همچون ارتباط با مذاهب بودایی و زردشتی برقرار کند. اما باید توجه داشت که وی در هر یک از این موارد نوع خاصی از عقاید مزبور را مد نظر داشت. از نظر او بودایی فقط فرقه مهاییانی و زردشتی تنها مذهب مجوسان مادی بود که مفهومش همان زروانی‌گری است. مانی از مسیحیت عرفان آن را مد نظر داشت. روی مسیحی پیام او برای مغرب زمین و روی بودایی آن برای مشرق

۱۱. نک: ابن ندیم، محمدبن اسحاق، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: امیرکبیر.

۱۲. نک: بیرونی ابوریحان بیرونی، آثارالباقیه.

۱۳. نک: ویدن گرن، گنو. مانی و تعلیمات او، ترجمه زهت صفای اصفهانی.

۱۴. نک: آرتور کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی.

می‌گوید: «در هر زمانی انبیا حکمت و حقیقت را از جانب خدا به مردم عرضه کرده‌اند، گاهی در هندوستان به‌وسیله پیغمبری بودانام و گاهی در ایران به‌واسطه زردشت و زمانی در مغرب زمین به‌وسیله عیسی و عاقبت من که مانی پیغمبر خدای حق هستم، مأمور نشر حقایق در سرزمین بابل گشتم.»^{۱۵} نیز در سرودی که به زبان پهلوی اشکانی سروده می‌گوید: «من از بابل زمین آمده‌ام تا ندای دعوت را در همه جهان پراکنده کنم.» مانی مدعی بود که برای اصلاح و تکمیل ادیان قبلی آمده و خاتم پیغمبران است.^{۱۶}

زروان خدای برتر

مانی برای دین قدیم‌تر زردشتی (دین پادشاهان بزرگ اشکانی که وی در دوران حکومت آنان به دنیا آمده بود و دین ساسانیان که حمایتش کرده بود) احترام قائل بود. وی اعتقاد داشت که آیین زردشت و نیز مسیحیت و بودایی، همه در اصل، دین‌هایی راستین بودند که کژفهمی پیروانشان آنها را به تحریف کشانده، و او برای احیای دین فرستاده شده است. از این رو، در پارس برای اینکه مستمعان ایرانی بهتر به مطالب او پی ببرند، به‌راحتی دینش را در لفافه زردشتی ارائه کرد و حتی نام بسیاری از مینوان ایزدکده خویش را از ایزدان زردشتی برگزید. در سلسله اساطیر خویش سرگذشت پهلوانان داستانی ایران را مثل فریدون و غیره وارد کرد. با این اقدام خشم بسیاری از روحانیان زردشتی برانگیخته شد که انگِ زندگی (آن که متون مقدس را تفسیر به رأی خود می‌کند) یا بدعت‌گزار به مانویان می‌زدند.^{۱۷}

از رهگذر منابع بودایی می‌توان دید که کیش زروانی (احتمالاً به‌وسیله سپاهیان هخامنشی) به میان سغدیان شمال شرقی راه یافته بود، ولی پارسیان ظاهراً در برابر این بدعت مقاومت کرده بودند. اما ساسانیان زروانی بودند — شاید در این مورد هم به تاسی از پادشاهان متأخر هخامنشی. بسیار محتمل است که نکته

اصلی تفاوت میان الهیات پارتی و پارسی (تفاوتی که آشکارا بر آن تأکید شده)، به‌رغم کوشش‌های جامعه روحانیت ساسانی همین موضوع بوده است، چه نویسنده‌ای ارمنی در سده پنجم به یک روحانی زردشتی اشاره می‌کند که رئیس مدارس دینی پارسی و پارتی بود. خود کرتیر، که دست‌کم در دوران چهار پادشاه رهبری دینی را برعهده داشت، هم می‌بایستی همچون روحانیان بلندپایه پارسی پس از وی زروانی بوده باشد و‌گرنه هماهنگی چشمگیری که در روزگار ساسانی میان فرمانروایان و روحانیان پارسی حکمفرما بود، نمی‌توانست وجود داشته باشد، ولی وی فریب مانی را در مورد اقتباس‌هایش از کیش زروانی نخورد.^{۱۸}

زروان پیش از آفرینش جهان وجود داشت. او که در آرزوی پسری بود تا آسمان و زمین را بیافریند، به مدت هزار سال یزش‌هایی (شکرگزاری) به جای آورد. اما در پایان هزار سال در اینکه قربانی‌های او مؤثر خواهد افتاد یا نه تردید کرد. در لحظه تردید جفتی توأمان، اهرمزد و اهریمن، در بطن او پدید آمد. او دریافت که دو پسر به دنیا خواهد آورد. پس با خود پیمان به میان آورد که به نخستین پسری که از بطن او بیرون آید شهریاری بخشد. اهرمزد به اندیشه پدر پی برد و برادر را از آن آگاه ساخت. پس اهریمن بطن را بدرید و بیرون جست. اهریمن نزد پدر بر محق بودن خود پافشاری کرد و سرانجام با بی میلی فرمانروایی نه‌هزار ساله جهان را پذیرفت. اهرمزد می‌بایست پس از او به شهریاری برسد. پس هر یک به آفرینش خویش آغازیدند. قدمت این اسطوره معلوم نیست، اما شاید بتوان خاستگاه آن را با تفسیر این قطعه گاهانی (یسنای ۴۴، بند ۳) تشخیص داد: «کیست پدر نخستین اشته به خاطر آبستنی(اش)؟»

فرمانروای عالی نور در نزد مانویان ایرانی زروان گفته می‌شود، چنان‌که ما اکنون خدا را ازلی و ابدی می‌نامیم. به عقیده مانی پدر عظمت پنج مسکن یا پنج صفت دارد: حس، عقل، فکر، خیال، اراده. به قول ابن ندیم در الفهرست خدا چهار

۱۵. ابوریحان بیرونی بیرون، همان.
 ۱۶. نک: آرتور کریستن سن، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی.
 ۱۷. نک: مری بویس. همان.
 ۱۸. نک: پرودس اوکتور شروو، *عناصر ایرانی در کیش مانوی*، ترجمه محمد شکری فومشی.

برای رستگاری بشر ظهور کرده بود، گرد آورد.^{۲۲} این «سنت در نوشته‌های قبطی مانوی به‌خصوص کفالایا حفظ شده که نزدیک‌ترین سنت به طریقه اولیه مانوی است، اما این نوشته‌ها به‌وسیله مطالب مشابهی از متون ایرانی، که متأخرترند، تکمیل می‌شوند». رودلف در جای دیگر بر این واقعیت تأکید می‌ورزد که مانی از اساطیر ایرانی شناخت کاملی داشت و خاطر نشان می‌کند که بسیاری از عناصر زیربنایی طریقه او را تنها می‌توان از ورای اسطوره‌های ایرانی دریافت. بنا بر نوشته‌های او آموزه مانی بر اساس ثنویت معروف گنوسی یعنی روشنایی و تاریکی، روح و ماده، و خیر و شر قرار داشت، اما این آموزه عمیقاً وابسته و تحت تأثیر میراث باستانی ایرانی‌اش بود. وی همچنین خط سیر جهان را چونان دورانی بازآینده می‌دید که خود بدان کاملاً سامان بخشیده بود، تفکری که پیش از آن کیش گنوسی تنها شکل اولیه آن را شناسانده بود. وی سرانجام خاطر نشان می‌کند که مانی هرگز بینشی را که هدف آن درآمیختن کیش او با ادیان دیگر، به‌ویژه دین رو به زوال زردشتی بود، از دست نداد.

در مقابل این نظریات که مبتنی بر هم‌آمیزی مذاهب است، پژوهشگرانی که برای کیش مانوی «نسبت ایرانی» بسیار قوی‌تری قائل‌اند، می‌کوشند تا برای اکثر عناصر آموزه‌های مانوی پیشینه‌ای ایرانی بیابند. گنو ویدن گرن، که پرچمدار این نظریه است، در خاتمه بررسی تطبیقی‌اش در کیش مانوی و دین ایرانی با قطعیت مدعی شده که «عناصر مسیحی و بودایی این کیش خود را چون آرایه‌هایی نشان می‌دهند که می‌توان آنها را بدون هیچ مشکل و گزندی از این نظام جدا ساخت، حال آنکه در ارتباط با عناصر ایرانی این نظام چنین امکانی وجود ندارد، از آن رو که این عناصر در حقیقت ستون فقرات و از اجزای سازنده آن شمرده می‌شوند... ساختار اساسی کیش مانوی... ایرانی و... زروانی از یک زاویه عرفانی (گنوسی^{۲۳}) است... از نظر مانی کیش زردشتی همان دین مغان مادی، یعنی همان کیش

طبیعت دارد. مانی عقیده به چهار چیز بزرگ را تبلیغ کرد: خدا، نور او، قدرت او، حکمت او. خدا پادشاه بهشت نور است. نور او آفتاب و ماه است. قدرت او پنج فرشته است: هوا و باد و روشنایی و آب و آتش. حکمت او دین مقدس است که پیغمبران آورده‌اند و احکام دین است.^{۱۹}

خاستگاه کیش مانی

جس پ. آسموسن^{۲۰} نظریات اصلی درباره خاستگاه‌های کیش مانوی را چنین خلاصه می‌کند: گرچه عموم پژوهشگران متفق‌القول هستند که کیش مانوی بر اساس کیش گنوسی بنا شده، بنا بر نظریات دیگر، خاستگاه این کیش در ادیان یونانی، مسیحی یا ایرانی نهفته است.

در سال‌های اخیر ذهن پژوهشگران به این نکته گرایش پیدا کرده است که شالوده کیش مانوی در درجه اول بر آموزه‌های مسیحی بنا شده، اما مانی این آموزه‌های اصیل مسیحی را در قالب تعلیماتی کاملاً نوین درآورده است. اساس این نظریه مجموعه دست‌نوشته‌های مانوی کلن است. دست‌نوشته مزبور صحت منابع دیگر را درباره پیشینه دین مانوی تأیید می‌کند، ضمن اینکه کلاً دیدگاهمان را نسبت به این نظام در جهتی درست سوق می‌دهد. مثلاً آ. بوهلیگ^{۲۱} خاطر نشان می‌کند که در کیش مانوی «عناصر گوناگون اسطوره‌ای ایرانی، گنوسی و مسیحی به عنوان الگو و طرح... به کار رفته‌اند. بدین لحاظ کیشی که مانی به ایجاد آن همت گماشت، از مسیحیتی بدعت‌آمیز ناشی شده بود و بعد به طور اساسی فراتر از ثنویت مزدایی توسعه یافت و حتی از خود مسیحیت برید.» وی در جای دیگر می‌گوید: «مانی با هیچ کس هم‌عقیده نبود، مگر طریقه‌ای که خود آن را پدید آورده بود». مانی «مضامین عقایدی را که او شکلی دیگر به آنها بخشیده بود، در طریقه نوینش وارد کرد». همانند او رودلف چنین نوشته است: «مانی... وظیفه‌اش را در آن دید که سنن مذهبی شرق روزگارش را در یک دین جهانی، که

۱۹. سیدحسن تقی‌زاده. مانی‌شناسی، به کوشش ایرج افشار.

20. Jes Peter Asmussen (1928 - 2002)

21. Alexander Böhlig (1912-1996)

22. Rudolph

23. Gnostic

زروانی بود و از مسیحیت تنها عرفان آن را مد نظر داشت. صبغه مسیحی پیام او برای مغرب زمین بود و صبغه بودایی آن برای مشرق زمین، برای شاهنشاهی ایران قالب زردشتی دینش عامل تعیین کننده بود».

اخیراً نظریه ویدن گرن مورد حمایت یکی از پژوهشگران دین ایرانی به نام گاردونیولی قرار گرفته است، وی که شدیداً به نظریاتش ایمان دارد بر این باور است که فقط عناصر ایرانی کیش مانوی عامل تعیین کننده هستند و بدون آنها تقریباً هیچ مفهومی از ساختار نظام مانوی به طور کامل درک نخواهد شد.

درست در مقابل این دیدگاه، پژوهشگرانی هستند که به وجود هیچ عنصر ایرانی در کیش اصیل مانوی باور ندارند. متونی که اخیراً کشف شده است، به ویژه مجموعه دست نوشته های مانوی کلن، عمدتاً پیشینه عناصر یهودی - مسیحی را در کیش مانوی نشان می دهند. ساموئل لیو منکر این نکته است که مانی عناصر مسیحی، زردشتی و بودایی را در هم آمیخته تا دینی جهانی پدید آورد. او مدعی است که «مانی بدون تردید آرا و اندیشه های ادیان مختلف را در هم آمیخت، اما پیشینه دینی اش سخت ریشه در آرا و اندیشه های یهودی - مسیحی داشت. این نکته را متونی که اخیراً کشف شده تأیید می کند. دیدگاهی که زمانی او را درهم آمیزنده عناصر مسیحی و زردشتی و بودایی می پنداشت تا دینی جهانی برای بشریت به ارمغان آورد، دیگر باید به طور قطع مردود شناخته شود... عناصر زردشتی و بودایی این دین در طول سفر هیئت های تبلیغی در این کیش نفوذ کرده اند و بنابراین جزو بنیادین ساختار نظام مانوی شمرده نمی شوند.»

ادعای مانی درباره نکات برتری دینش

مانی ادیان پیشینیان و پیامبرانشان را راهنمایان راستی می دانست. بنا به نوشته های خود او ادیان پیشین قدرت ذاتی

کافی در برابر حملات گوهر بدی در خود نداشته اند و از این رو راستی ای که این ادیان مبلغ آن بودند به فساد گرایید. مانی به تشریح ده نکته از عواملی می پردازد که موجب برتری دینش نسبت به ادیان دیگرند. از این میان تنها پنج مورد نخست آن باقی مانده است:

- نخست اینکه دین گذشتگان به یک شهر (سرزمین) و به یک زبان بود، پس دین من به هر شهر و هر زبان آموخته شود.
- دوم اینکه ادیان پیشین تا زمانی که سالاران پاک اندرش بودند، دوام آوردند، چون سالاران درگذشتند پس دینشان بیاشفت. اما دین من با سلسله مراتب دین مردانش دارای چنان تشکیلات منسجمی است که تا ابد بپاید.

- سوم اینکه روان هایی که در ادیان پیشین کردگانشان را کامل نکردند به دین من آیند، که خود برایشان در رستگاری باشد.
- چهارم اینکه مکاشفه دو بن مانی، کتاب های زنداهش و خرد و دانشش از آن ادیان پیشین برتر و بهتر است. بدین سان پیغامبران پیشین - به خلاف آنچه مانی کرد - آموزه های خویش را به نگارش درنیاوردند. این نکته در سر آغاز کتاب کفالایا (ویراسته پولوتسکی) شرح داده شده است: عیسی مسیح به غرب آمد و پس از مرگ او حواریون گفته هایش را نوشتند. زردشت در ایران زمین نزد شاه و یشتاسب (گشتاسب) آمد، و گرچه موبدان دینش سخنان وی را به خاطر سپردند و پس از مرگش آن را به کتابت در آوردند، خود او کتابی ننوشت. و سرانجام هنگامی که بودا به پیدایی آمد، گر چه مکاشفه اش را بسیار موعظه کرد و پیروانش را سامان بخشید، اما او نیز هیچ نوشته ای از خود بر جای نگذاشت و این مریدان وی بودند که موعظه هایش را به خاطر سپردند و بعد از مرگش آنها را به نگارش در آوردند.

- پنجم اینکه همه کتاب ها، حکمت ها، مکاشفات، تمثیل ها و مزامیر تمام ادیان پیشین از هر نقطه ای گرد آمدند و به دین مانی درآمدند و به دانشی که او به الهام دریافت کرده است،

پیوستند.

کفالایا می‌افزاید: «همچنان که قطره قطره جمع شود و آب بسیار پدید آید، کتاب‌های کهن (پیشین) نیز به نوشته‌های من پیوستند و دانشی عظیم پدید آمد، که چون آن (تاکنون) در هیچ‌یک از دوران کهن (پیشین) به پیدایی نیامد.»

در معادشناسی مانویت، روان شخص در گذشته در داوری روز آخرت زن جوانی را می‌بیند که چهره‌اش تحت تأثیر کردار نیک یا بد در گذشته دگرگون شده است. این اسطوره، تحت عنوان اسطوره داوری در منابع مانوی و زردشتی هر دو حضور دارد. منشأ این اسطوره در ایران احتمالاً به زمان گاهان یا تفسیرهای آن بازمی‌گردد.^{۳۴}

جامعه مانوی مرکب از پنج طبقه بود، معادل پنج تجلی پدر عظمت، از این قرار: طبقه اول ۱۲ نفر رسول (به پهلوی فریستگان)، طبقه دوم ۷۲ تن اسقف (به پهلوی اسپسگان)، طبقه سوم ۳۶۰ تن شیوخ (به پهلوی مهستگان)، طبقه چهارم برگزیدگان (به پهلوی وزیدگان) و طبقه پنجم سماعون (به پهلوی نیوشاگان). عده افراد دو دسته اخیر حدی نداشت و این دو طبقه بیشتر از سایرین در کتب مانوی نام برده شده‌اند. نیوشاگان عبارت از توده مؤمنان‌اند، یعنی آنان که طاقت تعالیم دشوار طبقه برگزیدگان را نداشتند.^{۳۵}

حکمت عملی مانویان

حکمت عملی مانویه مبتنی بر قواعدی چند بود، مخصوصاً قاعده هفت‌مهر که چهار مهر مربوط به امور معنوی و اعتقادی و سه مهر متعلق به عمل و کردار اشخاص بود. سه مهر اخیر از این قرار است: مهر دهان (احتراز از ادای سخنان کفرآمیز و ناپاک)، مهر دست (اجتناب از عمل یا پیشه‌ای که برای انوار زیان‌آور است)، و مهر دل (پرهیز از شهوات و آرزوهای پلید). این مهرهای عملی نسبت به طبقه

برگزیدگان و طبقه سماعون حکم متفاوتی داشت. برگزیدگان نباید پیشه‌ای اختیار کنند که موجب زیان عناصر شود یا در پی اموری برآیند که اسباب ثروت و آسایش مادی شود. خوردن گوشت حیوانات و آزار رسانیدن به ذرات نور پنهان در نباتات، با چیدن گیاهان، ممنوع بود. شراب را نیز حرام می‌پنداشتند. نباید بیش از غذای یک روز و لباس یک سال، از مال دنیا داشته باشند. باید بی‌زن زندگی کنند و برای نشر پاکی و طرز معاش بی‌آلایش، در اقطار جهان سفر کنند. نیوشاگان از این قواعد سخت معاف بودند، می‌توانستند به مشاغل و پیشه‌های عادی خود پردازند و گوشت نیز بخورند، به شرط آنکه به دست خویش حیوانات را بی‌جان نکرده باشند. زن گرفتن نیز برای آنها مباح بود. باید به طریق اخلاقی زندگانی کنند و بکوشند که به دنیا دلبستگی زیاد پیدا نکنند. از واجبات طبقه نیوشاگان آن بود که نذر کنند غذای برگزیدگان را فراهم آورند و گیاهی را، که برگزیدگان غذای خود می‌ساختند و از چیدن آن ممنوع بودند، بچینند و در حضور آنها زانو زده تقدیم کنند. در عوض، برگزیدگان دعا می‌کردند که خداوند گناهی را که از چیدن گیاه بر نیوشاگان وارد شده، ببخشاید. پرداخت زکات و گرفتن روزه و گزاردن نماز تکلیف عمومی بود و همه طبقات را شامل می‌شد. هر ماه هفت روز روزه می‌گرفتند و در بیست و چهار ساعت چهار دفعه نماز می‌خواندند. پیش از شروع نماز با آب وضو می‌گرفتند. در صورت نبود آب با خاک و چیزهای دیگر تیمم می‌کردند و در نماز دوازده مرتبه به سجده می‌افتادند. نیوشاگان یکشنبه را و برگزیدگان دوشنبه را مقدس می‌شمردند، چه مانویان هفته را پذیرفته بودند. صدقه دادن واجب بود، ولی مانویه از دادن آب و نان به کفار خودداری می‌کردند، زیرا این عمل را موجب پلید شدن ذرات نور می‌دانستند که مستور در آب و نان است، اما از دادن لباس و پول و چیز دیگر، که از ذرات نور خالی است، مضایقه نمی‌کردند.^{۳۶}

۳۴. نک: پرودس اوکتور شروو، عناصر ایرانی در کیش مانوی، ترجمه محمد شگری فومشی.
 ۳۵. نک: آرتور کریستن‌سن، همان.
 ۳۶. نک: همان.

هنر مانی: ادبیات، نقاشی، خوش‌نویسی، موزاییک، و معماری

ادبیات

مانویت مذهبی با کتابت به شمار می‌رود. بنیانگذار این مذهب وحی‌هایی را که به او نازل می‌شد، به صورت قانون جامعی به شکل یک سلسله آثار مکتوب گزارش می‌کرد. همچنین مانویان کتاب‌های خود را تذهیب می‌کردند و می‌آراستند و در این کار عالی‌ترین گونه خوش‌نویسی را با بهره‌گیری مکرر از رنگ به وجود می‌آوردند. البته همه کتاب‌ها مصور نیستند. اعتراف‌نامه (خواستوانیف) مکشوف در خوچو نمونه بسیار عالی دست‌نوشته پیوسته‌ای است که سربرگ آن بسیار آراسته است. حواشی بسیاری از صفحات با گل و بوته‌های ویژه نقاشی شده است و غالباً متنی دارد که جزو نوشته‌های تزینی به شمار می‌رود. مانویان از شیوه کتاب‌نگاری هندیان کمتر استفاده می‌کرده‌اند، آنها بیشتر از طومارنوشته بهره می‌گرفتند که در چین خیلی رواج داشت. آنها الگوی غربی را نیز بسیار به کار برده‌اند: کاغذهای تاشده را با پوشه‌ای جلد می‌کردند، جلد‌ها نیز اغلب تزین‌یافته و در حد افراط روی آنها کار شده بود. لبه جلد بسیاری از کتاب‌ها را با نوار عاج محکم می‌کردند و برای این کار، در برخی از کتاب‌ها از چرم یا پوست رنگ‌شده استفاده می‌کردند که با روش منظمی به لبه جلد دوخته یا منگنه می‌شد.

کتاب‌های مانی به چند دسته تقسیم می‌شوند: کتب دینی، ادبیات غیرشرعی، اعتراف‌نامه‌ها، ادبیات سرودگونه، ادبیات موعظه‌ای.^{۲۷}

کتب دینی

الف) کتاب شاهپورگان، که مانی آن را به شاهپور اول اهدا کرده است، اولین تألیف او و مبین اصول عقاید اوست. این کتاب

۲۷. نک: ویدن گرن، گئو. مانی و تعلیمات او، ترجمه نزهت صفای اصفهانی.

شامل فرضیه اصول آفرینش و مبحث آخرت است. همچنین شامل بخشی از تاریخچه زندگی و زمان و مکان تولد مانی به قلم خود اوست.

ب) در میان نوشته‌های شرعی مانوی در درجه اول باید از *انجیل جاودان* یا *انجیل کبیر* نام برد که به زبان سریانی است. در این کتاب مانی ادعا می‌کند که او همان فارقلیط است که مسیح به عنوان «مهر پیامبران» پیشگویی کرده است.

ج) اثر دیگر مانی *گنجینه حیات* نام دارد. این عنوان یادآور کتاب ماندایی *گینزا* یا *گنجینه* است. این کتاب در هفت جلد و شامل انسان‌شناسی و روان‌شناسی از دیدگاه مانی و همچنین شامل جزئیات تعبیرات وی از انسان در مفهوم عالم صغیر است.

د) چهارمین اثر شرعی او *پراگماتیا* نام دارد. محتویات آن احتمالاً عبارت از دستورهای اخلاقی عملی بوده است.

ه) *اسرار* مرکب از ۱۸ فصل و شامل انتقاد از جانشینان ابن دیصان است. بخشی از این کتاب درباره تعلیمات دیصانی است.

و) اثر دیگر مانی کتاب *کوان* نام دارد که به علت وجود آثار کشف‌شده در تورفان اطلاع کافی از آن در دست است. در این کتاب مانی اسطوره قدیمی خاورمیانه، یعنی داستان هبوط فرشتگان را برگزیده است.

ادبیات غیرشرعی

اثر مهم دیگر که ارتباط بسیار نزدیک با مانی دارد به زبان قبطی به دست ما رسیده است و در زبان یونانی *کفالایا* نام دارد. این کتاب شامل عقاید، تفسیرها و وحی‌های مانی است و اغلب مانی را در حین مکالمه با شاگردانش توصیف می‌کند که یا شاگردانش از او سؤال می‌کنند و او جواب می‌دهد یا اینکه خود مانی با ابتکار و قریحه خویش نکات مبهم معانی را برایشان روشن می‌سازد.

به هنرهای زیبا پرداخته و گونه‌های تشریحی متنوعی برای زندگی منزّه به دست داده است. او نه تنها خود شیوه‌ای در خوش‌نویسی ابداع کرد که کتاب‌هایش حتی پس از ترجمه به زبان‌های ایرانی و آسیای میانه به این خط نوشته می‌شد، بلکه شخصاً آثارش را هنرمندانه تذهیب می‌کرد. او برای آموزش‌های خود کتاب مصوری داشت به نام *ارژنگ* و در آثار تبلیغی و تربیتی خود نیز گنجینه بزرگی از سنت هنری بر جای نهاد. می‌توان چنین پنداشت که مهم‌ترین آموزه‌های کیهان‌شناختی در *ارژنگ* به تصویر کشیده شده است. از یکی از قطعات تفسیر درباره *ارژنگ* برمی‌آید که نگاره آتش بزرگ در پایان جهان، در کنار نگاره‌های دیگر، می‌بایست در *ارژنگ* آمده باشد. این همان قطعه پارتی بازیافته در تورفان است که دربردارنده سلسله تشبیهاتی به هم‌پیوسته و نمایانگر نیروی ویرانگر آن آتش بزرگ است. این متن یکی از چند قطعه‌ای است که از تفسیر *ارژنگ* باز مانده است. *ارژنگ* احتمالاً همان *Eikon* (تصویر) است که در نوشته‌های قبلی بدان اشاره کرده‌اند و نامش بلافاصله پس از هفت کتاب رسمی دینی مانوی آمده است. از کتاب مواظ برمی‌آید که این تصویر ظاهراً شامل چندین نگاره بوده است. مانسی احتمالاً با اشاره به پیش‌بینی زمان شکنجه و آزار خود می‌گوید: «بر نگاره‌های نگارخانه خود می‌گیریم.» پس، این *Eikon* (تصویر)، چنان که نخستین بار هنینگ پنداشته است، نمی‌تواند فقط شامل پرتره منحصر به فرد بنیان‌گذار مانویت باشد که بر محراب یا بما (یکی از مراسم مهم آیین مانویان) منقوش است. هنینگ، این پیشرو پژوهش‌های مانوی، بعدها نظرش را عوض کرد و نوشت: «پولوتسکی حق داشت پیشنهاد کند که این *Eikon* همان کتاب مصور یا نوعی نگارنامه بوده که آموزه مانوی را تصویر می‌کرده است.»

بنا به گفته ابوالعالی، نویسنده معتبر ایرانی و صاحب کتاب *بیان‌الادیان*، نسخه‌ای از *ارژنگ* تا پایان سده یازدهم میلادی در غزنه وجود داشته است. او می‌نویسد: «گویند مانوی بر پارچه

اعتراف‌نامه‌ها

(الف) *خستوانی* اعتراف‌نامه‌ای برای مؤمنان غیر روحانی و شامل پانزده بخش است که مقدمه آن مفقود شده است. در این کتاب رفتار خلاف‌قوانین دینی، مانند خلاف‌های اخلاقی، یک‌یک شمرده شده است و پس از ذکر هر گناهی جمله «گناهان مرا بیخشای» تکرار می‌شود.

(ب) اعتراف‌نامه‌ای به زبان سغدی نیز موجود است که تنها مخصوص برگزیدگان است و در حقیقت کتاب دعای مانوی است و به احتمال قوی در عید بیما با صدای بلند خوانده می‌شده است.

ادبیات سرود گونه

ایمان مانوی در مجموعه بزرگ سرودهای مذهبی که حفظ شده است کاملاً مشخص است. در این سرودها احساس عاطفی، که الهام بخش پیروان مانی بوده، به خوبی نمایان است، و همین باعث درک بهتر پیشرفت مانویت می‌شود. این اشعار بدون تردید از جوهر عرفانی روح گرفته‌اند. دسته اول مزمورهایی هستند که مشخصاً ترجمه از سریانی است. دسته دیگر به یک زبان شرقی - ایرانی، ترکی یا چینی - باقی مانده و مسلماً به یکی از این زبان‌ها سروده شده است. دسته سوم اشعاری است که به زبان اصلی غربی مثل یونانی، لاتین، یا قبلی سروده شده است.

ادبیات موعظه‌ای

مانویان موعظه‌گرانی بسیار خوب و تعلیم‌دهندگانی ساده‌گو بودند. کشفیات تورفان شامل متن‌های پراکنده‌ای است که در مجالس وعظ از آن استفاده می‌شده است.

نقاشی

سنت نگارگری مانویان به بنیان‌گذار مانویت برمی‌گردد. مانوی بیش از دیگر بنیان‌گذاران ادیانی که تاکنون ظهور کرده‌اند،

۲۸. نک: کلیم کایت، هانس یواخیم، هنر مانوی، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور.

تصاویر آراستند، از جمله در نگارنامه دیوان اباتور (کشتار دیوان) می‌توان این تصاویر را دید. در این اثر مثلاً ایستگاه‌های سفر روح، کشتی خورشید و ماه با مسافران یا تصاویر ساختار کیهان تصویر گردیده است.^{۲۸}

مانی به ظن بسیار قوی، خود از موهبت هنری بزرگی برخوردار بوده و اینکه بعدها وی را مانی نگارگر خوانده‌اند، که هنوز هم در منابع فارسی نو برجسته می‌نماید، بی‌اساس نبوده است. مانی خود در متنی اصرار می‌ورزد که «چه همه رسولان، برادران من که پیش از من آمدند، (به نوشتار در نیاورده‌اند) خرد خویش را چونان که من، نه به تصویر کشیده‌اند خرد خویش را چونان که من (کشیده‌ام)»^{۲۹} این از نظر تاریخی به حقیقت بسیار نزدیک است.

آشکار است که تماس نزدیک مانویان و بوداییان در آسیای مرکزی باعث شد که هنر مانوی تأثیرات شگرفی از هنر بودایی بپذیرد. همچنین آگاهییم که نوشته‌های مانوی آسیای مرکزی بر قالب مفاهیم بودایی بنا شده است. این تأثیر در مورد نوشته‌های فارسی میانه و پارسی ممکن است کمتر بوده باشد. به‌ویژه، متون چینی مانوی مکشوف در دون‌هوانگ سخت تحت تأثیر آرمان‌های بودایی قرار گرفته‌اند. پس شگفت‌آور نیست که در هنر مانوی، درونمایه‌های بودایی دیده شود. برای نمونه، گل‌لوتوس را می‌توان یادآور شد که در بیشتر نگاره‌های مانوی دیده می‌شود. به‌ویژه در ارائه چهره‌های پیشکش آورنده هیچ تفاوت اساسی با هنر بودایی ندارد. هنر مانوی خود تا اندازه‌ای بر هنر بودایی مؤثر بوده است.

نخستین نکته‌ای که درباره تکنیک نقاشی مینیاتور باید یادآور شد، این است که کاغذ را معمولاً با مخلوطی سفید یا با گچ بتونه کاری می‌کردند و پرداخت می‌نمودند. آن‌گاه یک طرح اولیه، احتمالاً به کمک وسایل رسم، روی صفحه صاف کاغذ می‌کشیدند. بعد آن را با پوشش رنگی پر می‌کردند. در مرحله‌ای دیگر، زر برگ به کار می‌بردند و آن را به صورت برش‌های



ت ۱. حریر سپید خطی فرو کشید، چنان که از آن یک تار حریر بیرون کشیدند و آن خط ناپدید گشت و کتابی کرد به انواع تصاویر که آن را ارژنگ مانی خواندند و در خزائن غزنین هست،^{۳۰} نخستین بار مانویان بودند که محتوای آموزه خود را به

29. Polotsky, H.J. et al., trsls. *Kephalaia*, Stuttgart.

ت ۲.



بیزانس نیز اشاره کنیم که در متون مانوی و بودایی مکشوف در تورفان روم شرقی نام دارد. سهم ویژه ایرانیان در بهره‌گیری از زبان‌های فارسی میانه و پارتی در متون مزین به مینیاتور بسیار زیاد است. یکی از نمونه‌های بارز تأثیر سنت ایرانی را در این نکته می‌توان مشاهده کرد که بسیاری از دیناوران مانوی، که به تصویر در آمده‌اند یا نامشان در پای تصویر آمده، نام‌های ایرانی دارند. البته پیوند احتمالی آن با هنر شرق ایران یا دربار سغد، که تاکنون شناخته شده است، نیازمند پژوهش‌های بیشتری است. سرانجام، باید از تأثیر هنر هندو یاد کرد که دیگر نیازمند بررسی دوباره نیست و خواهیم دید که در مینیاتور برجای مانده چهرهٔ ایزدان هندو نقش گردیده است.^{۳۱}

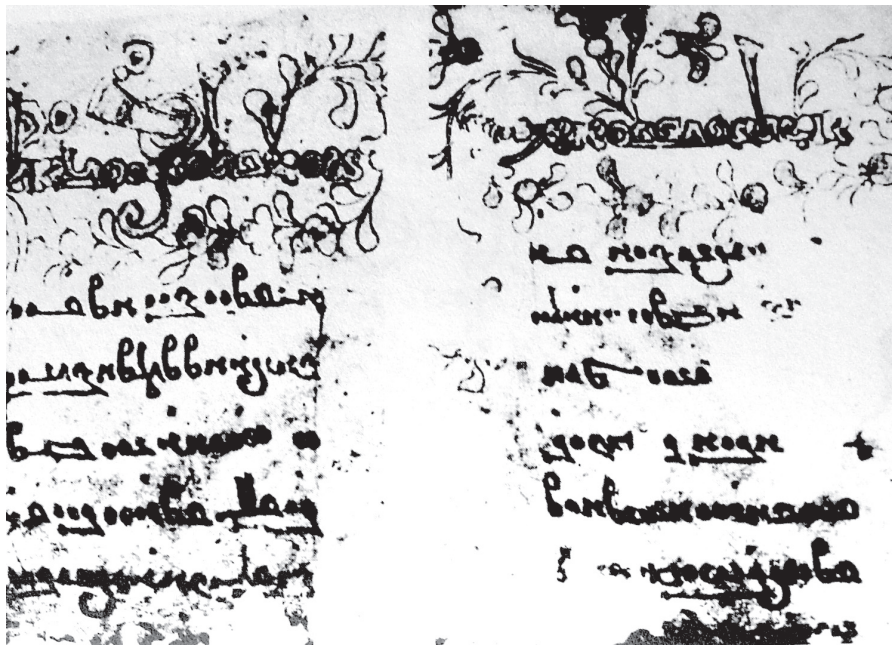
در کنار متون تذهیب‌شده می‌توان نگاره‌های ارزشمندی یافت. در پی متون زرنگار و مصور، متون توضیحی آورده می‌شد و این امر بس رواج داشت. برای خوانا شدن دست‌نوشته خیلی دقت می‌کردند. سنجش آثار مانوی و بودایی بیشتر روشنگر این

نازک درآورده، شکل می‌دادند و در این کار افراط می‌ورزیدند. زمینه‌ها را با یک خط اصلی می‌آراستند تا به نگه داشتن زربرگ نیز کمک کند و سطح زرنگار را که سرشار از خطوط رنگی بود، بهتر جلوه دهد و از لعل سرخ درخشنده بسیار بهره می‌گرفتند. رنگ‌هایی که اغلب در این نگاره‌ها به کار می‌رفت، عبارت بود از سرخ ارغوانی، قرمز تند، آبی، زرد و سبز بسیار سیر. برای بتونه‌کاری گاه از آبی براق بهره می‌گرفتند که احتمالاً از سنگ لاجورد فراهم می‌شد. هنر دیوارنگاری نیز از آنجا آغاز شده بود که بر یک سطح صاف و بسیار خوب بتونه‌کاری شده طرح‌های اصلی را طراحی می‌کردند و برای این منظور از وسایل رسم استفاده می‌شد. شگفت‌آور این که خطوط را نه تنها با رنگ پر می‌کردند و اکنون بسیاری از آنها محو شده، بلکه با ضربه‌های اضافی و چیره‌دستانهٔ قلم‌مو بر استحکام آنها می‌افزودند. بنابراین، آبرنگ نگاره‌های دیواری، که سالم مانده‌اند، بیشتر این جزئیات مهم چیره‌دستانه نقاشی شده را نشان می‌دهند. چگونگی نقش محاسن و ابرو، چین‌وشکن جامه، و جنبه‌های دیگر، به‌راستی در آبرنگ نگاره‌های دیواری و مینیاتورهای بزرگ به‌خوبی واضح و مشخص است. هر چند نقاشی‌های تورفان ویژگی بومی برجسته‌ای دارد، چنانکه از ظاهر اشخاص و جامه و اسباب آنها و چیزهای دیگر برمی‌آید، اصل سنت به مانی بازمی‌گردد و این اندیشه که هنر مانوی بر شالودهٔ هنر اشکانی منطقهٔ بین‌النهرین نهاده شده است، قابل درک است. بی‌تردید، هنر ساسانی که به‌راستی تأثیر بیگانگان و بیش از همه تأثیر هنر یونانی را پذیرفته، بر نقاشی مانویان نیز مؤثر بوده است. به هر حال، بازماندهٔ آثار هنری مانوی نشانه‌هایی از تأثیرپذیری هنری را در خود دارد که در روابط بازرگانی بزرگ ماورای قاره‌ای سرتاسر مسیر جادهٔ ابریشم می‌بایست به وجود آمده باشد. لوگک بر نفوذ گستردهٔ یونانیان بر فرهنگ منطقهٔ تورفان — که به‌واسطهٔ ایران و هند میسر شده است — صریحاً تأکید کرده است.^{۳۲} اگر هلنیسم را با معنای گسترده‌تری در نظر بگیریم، باید به قدرت درخشان

30. Lecoq, 1911

۳۱. نک: کلیم کایت، هانس یواخیم. هنر مانوی، ترجمهٔ ابوالقاسم اسماعیل پور.

۳۲. دست‌نوشتهٔ مانی



به پایین نوشته می‌شد. از این گذشته، خط معروف به خط رونی یا دبیره رازآمیز ترکی و یک خط شکسته نیز به کار می‌رفت. باید یادآور شد که هیچ اثر مانوی در آن زمان چاپ دستی نشده است و ظاهراً مانویان فن چاپ را طرد می‌کردند، زیرا برای هنر خوش‌نویسی اهمیت بسیار قائل بودند. مجموعه دست‌نوشته‌های قبطی و یونانی مکشوف در مصر مؤید آن است که مانویان به خلق دست‌نوشته‌های مینیاتوری گرایش داشته‌اند. برای نمونه، در مجموعه دست‌نوشته‌های کلن، که به‌تازگی از یکی از مقابر اکسیرینخوس به دست آمده، دست‌نوشته‌ای چرمی است به اندازه یک کتاب جیبی و یکی از کوچک‌ترین کتاب‌هایی است که از جهان باستان به یادگار مانده است. اندازه متن آن تنها به طول $\frac{3}{5}$ و به عرض $\frac{2}{5}$ سانتی‌متر است. با این حال، طبق معمول در هر صفحه ۲۳ سطر جای داده‌اند. خط نفیس این متن‌های توصیفی و هنرآفرینی کاتبان مجموعه دست‌نوشته‌های کلن به گونه‌ای مکمل یکدیگرند. بنابراین، کتاب‌های مانوی مکشوف در باختر و خاور، مشاهدات آگوستین و نویسندگان عرب را درباره توجه نویسندگان مانوی به نگارگری کتاب تأیید می‌کند.^{۳۳}

آگوستین قدیس آورده است که مانی به موسیقی نیز می‌پرداخته و می‌گوید او حتی برای موسیقی سرچشمه‌ای ایزدی قائل بوده است. این حقیقت که موسیقی در پرستاری ایزدان نقش برجسته‌ای داشته، در شماری از سرودهای مکشوف در مصر و آسیای مرکزی باز نموده شده است، سرودهایی که یک خواننده یا یک جمعیت آن را با موسیقی می‌خوانده‌اند. یکی از مینیاتورهای تورفان نیایشگران را با آلات موسیقی نشان می‌دهد و تصریح می‌کند که پرستاری ایزدی مستلزم همراهی گروه هم‌نوازان ارکستر نیز بوده است.

نفوذ هنر مانوی در معماری

در رابطه با معماری مانویان اطلاعات قابل‌طرحی به دست نیامده است. اما در رساله مانوی چینی (قطعه پلیو) که آن را



ت ۴. نقاشی در خار خوچو

نکته است که سنت خوش‌نویسی، به‌ویژه در دیرهای مانوی، ارجمند شمرده می‌شد. این را می‌توان در نگارش خطوط مجزا از هم، ترتیب جذاب ستون‌ها و نظم دقیق ظاهر حروف دید. خطی که در آثار مانوی به کار رفته، نخست و پیش از همه، خط استرانجیلی است که مانی آن را بر پایه الفبای سریانی تحول بخشید. این خط ویژه، که ابن ندیم در *الفهرست* نیز درباره اش مطالبی آورده است، به صورت یک خط اسرارآمیز بود.^{۳۳} افزون بر این، در نزد مانویان خط سغدی هم معمول بوده که نخست از راست به چپ و آن‌گاه بر الگوی چینیان به گونه عمودی از بالا

32. Lecoq, 1911

۳۳. نک: هانس یواخیم کلیم کاپت. *هنر مانوی*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور.

چپ در آستین راست نهفته است. این وضعی است که مردم شرق در حال احترام می‌گیرند.^{۳۵}

چیزهایی دیگری که یافته‌اند، دو علم (ببرق) معبد است، که تصاویری بر آن نقش شده، یکی صورت بانویی از طبقه گزیدگان، که پیش روی او زنی دیگر با جامه سرخ زانو زده و قدش کوتاه‌تر از بانوی نخستین است. بر علم دیگر دو تن از نیوشاگان، یکی زن و یکی مرد، نقش شده که در حضور یکی از گزیدگان به زانو درآمده‌اند. زن در حال عبادت است. کف دست‌ها را به هم چسبانیده و در پیش سینه نگاه داشته است. در این حفاری‌ها نمونه‌هایی از صنعت نقاشی مینیاتوری مانویان به دست آمده است. ورقه‌ای که به خط ترکی نوشته شده، در هر دو جانب تصاویری دارد، از قبیل شکل روحانیان مانوی که لباس سفید در بر و کلاه بلند استوانه‌ای شکل بر سر، در جلو میزهایی در دو صف ایستاده‌اند که به جامه‌های رنگارنگ آراسته شده است. هر یک قلمی در دست و ورق کاغذی در پیش رو دارد. حاشیه این صفحه را با نقوش اشجار میوه‌دار و خوشه‌های انگور مزین ساخته‌اند. جانب دیگر ورقه شامل دو ستون نوشته شده است، یکی با مرکب سیاه و دیگری سرخ که اطراف آن حاشیه‌ای از نقوش گل و بوته ترسیم شده است. در حاشیه تصویری است که سه شخص را نشان می‌دهد که بر روی قالی نشسته‌اند و جامه‌های الوان در بر دارند. معتبرترین این اشخاص، که فقط قسمت اسفل تصویر او باقی مانده است، در جانب چپ نشسته و دو تن دیگر که کلاه نوک‌دار بر سر دارند، رو به جانب او کرده‌اند. یکی از این دو تن آسوده نشسته و دست‌ها را با کمال احترام در آستین نهفته است، ولی دیگری عود می‌نوازد. این تصاویر، که در آنها دقت و لطافت فوق‌العاده‌ای به کار رفته، شخص را به یاد صنعت مینیاتور ایران در زمان اسلام می‌اندازد و شهادت می‌دهد که این صنعت در ایران بسیار قدیم بوده، زیرا که ظاهراً این صنعت را مانویان از کشور ساسانی به ترکستان منتقل کرده‌اند و در آنجا توسعه یافته، و شاهکارهایی

شاون و پلیو با هم در ژورنال آزیاتیک سال ۱۹۱۱ و ۱۹۱۳ ترجمه و نشر و تفسیر کرده‌اند در شماره ژانویه فوریه ۱۹۱۳ صفحه ۱۰۸ به بعد شرحی راجع به معبد یا صومعه مانویان و ابنیه آن آمده است و در آن صومعه مرکب از پنج تالار توصیف شده که یکی برای کتب و تصاویر است و یکی برای روزه و بیانات و یکی برای پرستش و اعتراف و یکی برای تعلیمات مذهبی و یکی برای مؤمنان مریض تخصیص داده می‌شود.^{۳۴}

فقط در این مطلب می‌توان به اشاره‌ای در مورد فضاهای صومعه مانویان دست یافت، لیکن در مورد شیوه چیدمان فضاها یا ایده‌های فضاسازی و طراحی مانویان به شیوه‌ای از معماری و طراحی نرسیده‌اند. اما در کتاب کریستن سن درباره هنرهای مانویان و صنایع آنها مطلبی هست که می‌توان در یافتن مسیر تأثیر مانویان در معماری به سرنخ‌هایی دست یافت.

در حفاری تورفان و خوچو، نمونه‌ای از صنایع مانویان به دست آمده است. در خوچو غاری یافته‌اند منقش به نقوش بسیار، که دقایق نقاشی آن هنوز نمایان است. یکی از این صورت‌ها مرد بزرگی را نشان می‌دهد (که گویا خود مانی است)، که به هیئت مغولی است با سبیل آویخته و ریش دوشاخ، در پشت سر او شکل هاله قرص خورشید رسم شده است، که متن آن سرخ و حاشیه آن سفید است و قسمت زیرین آن قرص در میان هلالی قرار گرفته است. آن شخص کلاهی تاج‌مانند بر سر دارد که گویا از پارچه زربفت باشد که قسمت زیرین آن چنان تنگ است که فقط بالای سر را پوشانده است و به وسیله نواری آن را زیر چانه بسته‌اند، قسمت بالای تاج پهن است. آثار زردوزی هنوز در حاشیه قبای او پیداست. در سمت راست آن پیشوا، چند صورت کوچک‌تر کشیده شده، که از طبقه گزیدگان هستند و ظاهراً اغلب آنها از مردم مغرب‌اند، جامه سفید پوشیده‌اند، کلاه آنها که به شکل تاج پیشواست، از پارچه سفید ساخته شده و دنباله نوار زیر چانه نمایان است. همه این اشخاص دست‌به‌سینه ایستاده‌اند، به نحوی که دست راستشان در آستین چپ و دست

۳۴. نک: سیدحسن تقی‌زاده، مانی‌شناسی، به کوشش ایرج افشار. ۳۵. نک: آرتور کریستن‌سن. همان.

بزرگی معرفی می‌کند حقیقت دارد. آلفاریک^{۳۶} حدس زده است که ارزشنگ معروف مانی نسخه‌ای از *انجیل اوست* که مصور به تصاویر بوده است.^{۳۷}

مانویت تأثیر بسزایی در هنرهای تزئینی معماری بناهای ایرانی زمان خود داشته است. از آن جمله نقاشی، تذهیب، گچ‌بری را می‌توان نام برد. برای اینکه بتوانیم ردپای مانویت را در این هنرهای تزئینی معماری بیابیم بهتر است به بناهای شاخص آن عصر بپردازیم و پس از بررسی نمونه‌های به‌جای‌مانده از نظر تزئینات، در این ارتباط نتیجه بگیریم.

نمونه‌های مهم معماری عصر مانی

دو اثر معماری مهم، که ساخت آنها را به شاپور اول منتسب می‌کنند، عبارت‌اند از بیشاپور و تیسفون. بررسی تزئینات این آثار حاکی از تغییراتی چشمگیر در شیوه معماری این بناها نسبت به سایر بناهای زمان خود است. هرچند به نظر می‌رسد تأثیر آیین مانی نباید با چنین سرعتی خود را در معماری و تزئینات آن دوره نمایان سازد، تغییرات شگرف در نقاشی روی گچ و همین‌طور گچ‌بری‌ها و نقوش روی گچ حاکی از لطافتی در سبک به‌کارگیری این هنرها در جوار معماری است که تا پیش از مانی به جرئت می‌توان گفت وجود نداشته است. در این مقاله با گردآوری اطلاعاتی درباره این دو بنا از محققان به‌نام تلاش می‌شود نکاتی حاکی از بهره‌گیری از نفوذ آیین مانی در معماری و تزئینات روشن شود.

گچ‌بری کاخ تیسفون

گیرشمن درباره کاخ تیسفون چنین گفته است: «این اثر تاریخی باشکوه احتمالاً به‌وسیله شاپور اول در نیمه دوم سده سوم ساخته شده و نمونه چشمگیری از یک ایوان ساسانی است. از روی منابع تاریخی می‌دانیم که قصرهای ساسانی با نقاشی مزین بودند و قصر تیسفون دارای نقاشی روی گچ که تسخیر



به وجود آمده است و نیز این تصاویر هنر یونانی بین‌النهرین را به خاطر می‌آورد، که نمونه‌هایی از آن در نقوش دیواری شهر دورا هنوز باقی است و نیز عبارتی از خطابه سربانی. افرم الرهایی که قدری کمتر از صد سال بعد از مانی می‌زیسته می‌گوید: «مانی صورت دهشتناک فرزندان ظلمت را در طوماری کشیده و ملون ساخته بود، تا نفرت بینندگان را برانگیزد و در ازای آن، تماثل زیبا و فریبنده‌ای از فرزندان نور رسم کرده بود، تا حسن صورت آن جلب‌کننده بینندگان باشد. این صور فرشته‌آسا و آن نقوش عفريت‌مانند برای تعليم مردمان بی‌سواد به کار می‌رفت.» بنا بر این قول، از عهد خود مانی عادت مصور کردن کتب نزد پیروان او متداول شده است و گویا افسانه‌ای که مانی را نقاش



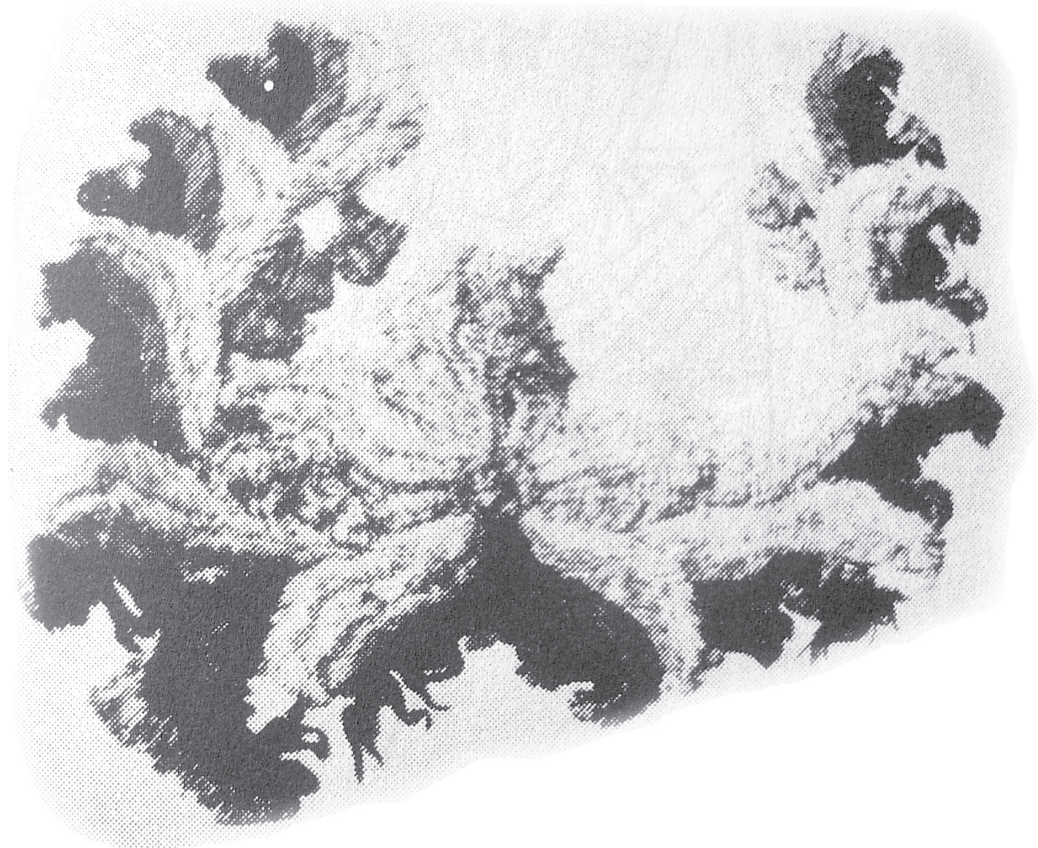
ت. ۵. (بالا) تزئینات گچ‌بری، کاخ تیسفون، دوره ساسانی
ت. ۶. (چپ) نقاشی دست‌نویس

36. Alfaric

۳۷. نک: آرتور کریستن سن. همان.



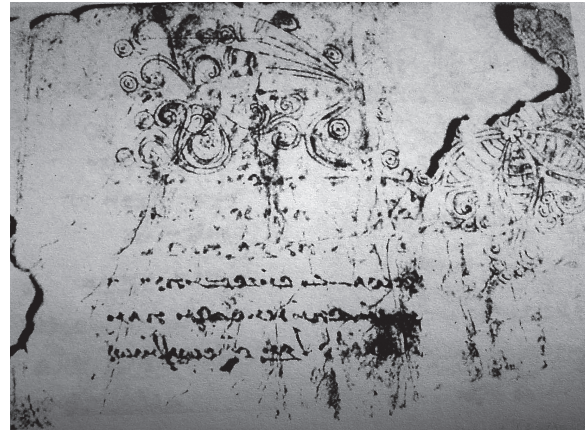
ت. ۷. (بالا) نقاشی روی گچ در کاخ
بیشاپور، دوره ساسانی
۸. (راست) گلدوزی مانوی



نقاشی مانوی در تزئین دست‌نویس مانوی حکایت از نزدیکی این طرح با گچ‌بری تیسفون دارد. اما پوپ شرق‌شناس مشهور گفته است: «کاخ بزرگ بیشاپور که هنگام پیروزی شاپور بر والرین امپراتور روم در ۲۶۰ میلادی به فرمان او ساخته شده بود یک مجموعه بنای وسیع از نوع ساختمان‌های ایوان‌دار است. مصالح این ساختمان سنگ و آجرپاره‌هایی است که داخل ملات قرار گرفته. تزئینات گچ‌بری وسیع این کاخ بهترین نمونه تزئینات داخلی یک کاخ ساسانی را تشکیل می‌دهد. شصت و چهار طاقچه پُرکار در دیوارهای تالار بار تعبیه گردیده است. بسیاری از اشکال تزئینی از الگوهای یونانی - رومی به عاریت گرفته شده که بدون شک گویای این

انطواکیه را نشان می‌داد، بوده است. تحقیقات اخیر در خصوص مقر ساسانی، ایوان کرخه وجود نقاشی‌های روی گچ را در قصر شاهی ثابت می‌کند. در زمان ساسانیان گچ‌بری تزئینی اهمیت بسزایی می‌یابد و با وجود اینکه گچ ماده‌ای سست و شکننده است، حتی نمای کاخ‌ها همان‌طور که در بیشاپور و تیسفون می‌بینیم گچ‌کاری و گچ‌بری شده است. در تزئینات گچ‌بری ساسانی طرح‌های هندسی و گل‌سازی بیش از شکل‌های هنری دیگر وجود دارد. در تیسفون فقط در یک ایوان تعداد هیجده نقش مختلف برشمرده شده است.^{۳۸} همان‌گونه که مطرح می‌شد گیرشمن نیز از حضور نقاشی روی گچ در این دوره از بناها سخن به میان می‌آورد. مقایسه گچ‌بری کاخ تیسفون با

۳۸. نک: رومن گیرشمن. هنر ایران در دوران پارسی و ساسانی، ترجمه بهرام فره‌وشی.



ت. ۹. (راست) دست‌نوشته مانی
ت. ۱۰. (چپ) بخشی از یکی از
تزیینات موزاییکی در طاقچه‌های
کاخ بیشاپور

تصویر نمونه‌ای از نقاشی روی گچ در کاخ بیشاپور و تصاویر نمونه گلدوزی مانی روی پارچه نقوشی همچون اسلیمی را به خاطر می‌آورد. همچنین تصویر تزیین دست‌نوشته با خطوط، شباهت و ارتباط نقش‌های مانوی را با نقوش روی گچ کاخ نشان می‌دهد.

گیرشمن در کتاب خود درباره تزیینات قصر بیشاپور اضافه می‌کند: «در قصر بیشاپور موزاییک‌هایی به دست آورده‌ایم که سطح ایوان را مزین ساخته، و آن تا حدی مکمل اطلاعات ماست. زیرا چنان که می‌دانیم موزاییک‌کاران از روی نمونه کار می‌کردند. بعضی تخته‌های موزاییک معرف تصاویری است که بر روی بیست و دو تا از اینها دو تصویر مشابه یافت نمی‌شود و این ثابت می‌کند که هنرمندان عصر درصدد بودند که در تجسم تصویر شباهت را مراعات کنند. صرف‌نظر از چند سر نیم‌رخ، بقیه با سه‌ربع چهره نشان داده شده و به نظر می‌رسد که این سبک وضع مرجح هنر عهد ساسانی است و شاید الهامی از هنر سریانی - رومی باشد. در روی تخته‌های دیگر که بزرگ‌ترند یک در میان تصاویر مردان و زنان کشیده شده است. در این میان تصاویر یکی از بانوان دربار دیده می‌شود که خود را باد می‌زند. درباریان با جامه‌های طویل و گل بر سر و دسته‌گلی در دست نشان داده شده‌اند. مطربه‌ای برهنه یک آلت موسیقی

حقیقت است که در این زمان شاپور از رومیان هزاران اسیر گرفته بود.» پوپ اصرار دارد که ایجاد نقاشی‌های متنوع و گوناگون را در کاخ بیشاپور به هنرمندان رومی نسبت دهد، لیکن او بی‌خبر است که ساخت این کاخ درست مقارن با زندگی مانی در کاخ شاپور است. همان‌گونه که در بخش‌های قبل نیز گفتیم، مانی اصرار بر تصویرسازی برای وضوح بیشتر کلام خود داشت و همچنین به اشاعه و توسعه هنرهای زیبای دیگر از جمله تذهیب و خطاطی نیز علاقه‌مند بود. پوپ چنین ادامه داده: «در صفحات موزاییکی که در اطراف حیاط مجاور و ایوان‌ها به کار رفته می‌توان نفوذ هنر رومی را تشخیص داد، لیکن همان‌گونه که گیرشمن خاطر نشان می‌سازد این نفوذ هنری خوشبختانه با ذوق و سنت ایرانی در آمیخته است. تحولی ناگهانی در تزیینات گچی در عهد شاپور اول روی می‌دهد. در قصر بیشاپور، که کمی پس از غلبه شاپور بر امپراتور والریانوس ساخته شده، تالار بزرگ بار با ۶۴ طاقچه مزین است که با مرمر پوشیده شده، و عناصر مختلف آن معرف تأثیر قوی سبک سریانی رومی و شامل خطوط پیچاپیچ و ترسیمات برگ‌های درختان است. بعدها این تزیین با نقوش جانوران، گیاهان، صحنه‌های شکار و حتی تصاویر شاهان نیکوتر می‌گردد.»



دست‌نوشته‌ها و حتی گلدوزی روی پارچه، که تصویر آنها ارائه شده، یقیناً با تزیینات این دو بنا بی‌ارتباط نیست.

۱۱. (راست) تصویر مانوی به دست‌آمده در خوچو

سخن پایانی

هدف اصلی این نوشتار یافتن تأثیراتی بود که مانی و مانویت بر هنر و معماری عصر خود داشت. برای رسیدن به این هدف آشنایی با زندگی مانی و آموزش‌های او الزامی است. در این مقاله همچنین درصدد یافتن تأثیر او بر معماری، ادبیات، مینیاتور، نقاشی روی چرم، نگارگری، و موسیقی نیز برآمدیم. نتیجه این پژوهش را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد و آن این است که مانی شخصیتی است که بر لطافت هنرهای زمان خود و نیز زمان پس از خود بسیار مؤثر بوده است.

سخن را با امید به اینکه قدمی هر چند کوچک در راه اعتلای فرهنگی کشورمان برداشته شده باشد، به پایان می‌برم.

کتاب‌نامه

ابن ندیم، محمدبن اسحاق. *الفهرست*، ترجمه محمد رضا تجدد، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶.

ابن ندیم، محمدبن اسحق. *مانی به روایت ابن‌الندیم*، ترجمه محسن ابوالقاسمی، تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۷۹.

را با سیم می‌نوازد. موضوعات معماری پرده‌های مورد بحث را مزین می‌سازند چنانکه در نقاشی‌های دوراوروبوس همین امر مشاهده می‌شود.»

توصیفات گیرشمن از این موزاییک‌ها حکایت از شباهت بسیار این تصاویر با واقعیات زندگی مردم آن روزگار دارد. او معتقد است شصت و چهار طاقچه‌ای که دیوارهای این تالار را زینت می‌بخشند، نقش‌های یونانی و برگ‌های درهم‌فرورفته و دندان‌ها و همچنین نقوشی که طاق را می‌پوشانند و با رنگ‌های تند سرخ و زرد و سیاه نقاشی شده‌اند تأثیری از غرب را به خاطر می‌آورند. به نظر می‌رسد گیرشمن عمداً یا سهواً به دنبال ریشه‌های این تغییر هنری در غرب بوده است و از اتفاقات هم‌عصر این هنرها در زمان خود بی‌اطلاع بوده است. مقایسه تصویر یکی از موزاییک‌های قصر بیشاپور با تصاویر مانوی به دست‌آمده در خوچو نشان از شباهت‌های فراوانی در این تصاویر چه از نظر به‌کارگیری رنگ و چه از نظر شیوه طراحی دارد. رنگ‌های تند و صحنه نواختن موسیقی در تصویر مانوی در مقایسه با موزاییک‌های دیگر طاقچه‌های بیشاپور نشان می‌دهد که سبک نقاشی رایج در آن دوران قطعاً سبک نقاشی‌های مانوی بوده است.

گیرشمن و پوپ نقاشی از چهره و موزاییک و گچ‌بری را به‌نوعی به غرب متصل می‌کنند. تزییناتی را، که به آن نام برگ‌کنگری داده‌اند، می‌توان در نقاشی‌هایی دنبال کرد که از مانویان در خوچو به دست آمده است. مقایسه نقوش پیدا شده در اطراف این دست‌نوشته‌ها ما را از منشأ این نقش‌ها آگاه می‌کند. طرح‌های اولیه نقوش‌های گچ‌بری‌ها را می‌توان در این نقوش تذهیبی یافت. منشأ آنها را در خطاطی‌های به دست‌آمده در تورفان کاملاً می‌توان پی گرفت. مقایسه گچ‌بری‌های بیشاپور و تیسفون با نقوش تذهیبی اطراف نامه‌های مانوی راهنمای معقولی به شمار می‌آید. نقاشی‌ها، طراحی‌ها، تذهیب دور

- بویس، مری. *زردشتیان، باورها و آداب دینی آنها*، ترجمه عسکر بهرامی، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۱.
- بویس، مری و فرانتز، گرنر. *تاریخ کیش زردشت*، جلد سوم: پس از اسکندر گجسته، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: توس، ۱۳۷۵.
- بیرونی، ابوریحان. *آثارالباقیه (الآثار الباقیه من القرون الخالیه)*. بیرونی، ابوریحان. تحقیق ماللهند.
- پوپ، آرتور اپهام. *معماری ایران، پیروزی شکل و رنگ*، ترجمه کرامت‌الله افسر، تهران: یساولی، ۱۳۶۵.
- پیروزی‌نیا، مهدی. *مانی و مانویت*، تهران: فصل نو، ۱۳۸۴.
- تقی‌زاده، سیدحسن. *مانی‌شناسی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: توس، ۱۳۸۲.
- شروو، پرودس اوکتور. *عناصر ایرانی در کیش مانوی*، ترجمه محمد شکری فومشی، تهران: طهوری، ۱۳۸۲.
- کریستن‌سن، آرتور امانوئل. *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر، ۱۳۷۸.
- کلیم کایت، هانس یواخیم. *هنر مانوی*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: اسطوره، ۱۳۸۴.
- گیرشمن، رومن. *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- گیرشمن، رومن. *هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی*، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۰.
- ویدن گرن، گئو. *مانی و تعلیمات او*، ترجمه نزهت صفای اصفهانی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۶.

Polotsky, H.J. et al. , trsls. *Kephalaia*, Stuttgart, 1940.